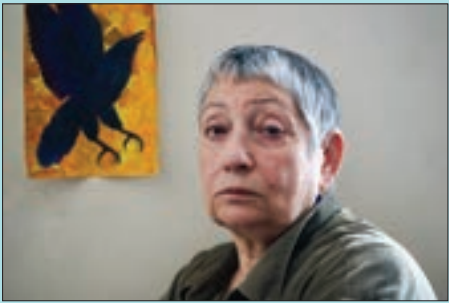


لودمیلایولیتسکایا، نویسنده مطرح و معاصر روس:

به جنبه انسانی بیشتر علاقه مندم تا تحلیل سیاسی



نوشته های لودمیلایولیتسکایا منعکس کننده زخم های دوران پرآشوب یک کشور است. داستان کشتار کیف و خشونت های یهودستیزانه ای که پس از آن، یهودیان روسیه با دو انتخاب روبه رو شدند، یا مهاجرت کنند یا جذب جامعه شوند. بخشی از داستان، «نردیان یعقوب»، روایت این ماجراست. داستان آدم های رنج کشیده تحت یک رژیم کمونیستی و رنج هایی که گریبان خیلی از مردم را در آن دوره گرفت. داستان این کتاب روایتگر زندگی یک زوج یهودی تازه ازدواج کرده است. یعقوب، پدر بزرگ لودمیلایا و همسرش که در زمان کشتار کیف تصمیم می گیرند، به جای جلای وطن، بمانند و بسوزند و بسانند.

داستان های این شخصیت ها مانند عروسک ماتروشکای روسی هستند که با بیرون آمدن یک عروسک، عروسک دیگری از دل آن بیرون می آید، و بدین ترتیب تاریخ پرتلاطم روسیه در طول صد سال آشکار می شود. «نردیان یعقوب»، که ماجرایش برگرفته از نامه های یابگانی خانوادگی اولیتسکایا و پرونده «ک.ک.ب. درباره پدر بزرگ است، شبکه ای از شخصیت ها را که با عشق و خون به هم متصل شده اند در هم می بافت. این کتاب نشان می دهد که چگونه اولیتسکایا سنت ادبیات روسیه پیش از انقلاب را ادامه می دهد، و ثابت می کند که چرا یکی از محبوب ترین رمان نویسان معاصر روسیه است.

در دنیای ادبیات روسیه، جایی که تاریخ و سرنوشت فردی محکم به هم پیوسته اند، لودمیلایولیتسکایا، با رمان «نردیان یعقوب»، به یکی از چالش برانگیزترین دوره های تاریخ روسیه می پردازد. این کتاب داستان زندگی آدم هایی است که زیر سیطره خفقان منکوب کننده زیستند. گاهی دوام آوردند و گاهی هلاک شدند. آنچه در ادامه می آید بخشی از گفت وگوی روزنامه «هم مهین» با این نویسنده است درباره این رمان که تازه به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

● در «نردیان یعقوب»، شما با ظرافت و بسیار دقیق داستان های عمیق شخصی را با رویدادهای تاریخی و شخصیت های مهم تاریخ روسیه به هم پیوند زده اید. چگونه بین عناصر شخصی و تاریخی در داستان سربایی خود تعادل برقرار می کنید؟ امیدوارید خوانندگان چه چیزی را از تصویر شما از زندگی شوروی در این دوره تحول آفرین برداشت کنند؟ آیا فکر می کنید داستان های شخصی آن ها منعکس کننده تجربه گسترده تر روسیه است؟

اگر توانسته ام به چنین تعادلی برسم، بسیار خوش حالم. به ویژه که اصلا به تعادل فکر نمی کردم. برای من مهم بود چیز دیگری را نشان دهم، اینکه وقایع تاریخی خشونت بار چگونه می توانند یک فرد را نابود کنند، همچنین می توانند او را قوی تر کنند. هر خواننده ای در کتاب چیز جالبی برای خود پیدا می کند که بازتاب تجربه شخصی اوست. از تجربه تقریبا هشتاد ساله زندگی در روسیه، دقیقا چنین نقاط عطفی را به خاطر می آورم. بسیاری از رویداد ها در تاریخ روسیه وجود داشته است؛ از مرگ استالین شروع شد و با آخرین جنگ جنون آمیز روسیه با اوکراین پایان یافت. سالیان متمادی، برخی از مردم کشورهای مختلف نظام سوسیالیستی زندگی در روسیه را به عنوان یک الگو راهی به سوی «آینده ای روشن برای بشریت» می دیدند. این یک افسانه بود و خوب است که خوانندگان پس از خواندن کتاب من این را بفهمند. من وظیفه انعکاس تجربه روسیه را برعهده خودم نمی دانم؛ همیشه به فرد و رنجی که دولت می تواند بر او تحمیل کند علاقه مند هستم. علاقه من به جنبه انسانی است تا تحلیل سیاسی یا سیستمی. هدفم ارائه دیدگاهی دقیق و انسان محورتر درباره تاریخ روسیه و سیستم های اجتماعی آن است.

● میراث تروما و وقایع تاریخی چگونه در زندگی نسل های بعدی تجلی می یابد و چه احساساتی در نسل های بعدی به وجود می آورد؟ زندگی آینده میراث داران این تروما چگونه است؟ این سؤال دشواری است که نمی توانم به آن پاسخ دقیق و قطعی بدهم. شاید بخشی از آن نسل مرعوب و خنثی می شوند، بدون اینکه بتوانند یا بخواهند کاری کنند، بخشی دیگر تلاش می کنند مقاومت کنند و گاهی تاوان آن را با جان خود می پردازند.

● در بررسی زندگی بیش از پنج نسل یک خانواده، وقایع تاریخی و سیاسی -مانند جنگ ها، استالینیسم و دوران پساشوروی- نه تنها بر سفر فیزیکی شخصیت های شما، بلکه بر ارتباطات عاطفی و درک آن ها از عشق چه تأثیری می گذارد؟ این میراث چگونه بر درک شما از روابط خانوادگی و پیچیدگی های عشق و دوری تأثیر می گذارد؟ این سؤال خیلی سخت است و من سعی خواهم کرد به نحوی «از زیر آن در بروم». هر فرد مشکلات خود را به شیوه خودش حل می کند. اما مواقعی هست که یک فرد، به خاطر بقایش، با انتخاب چیزی روبه رو می شود که برای او مهم تر است و برایش اولویت دارد. این انتخاب، یک تصمیم حیاتی است که هر شخصی با آن روبه رو می شود. او چه چیزی را انتخاب می کند، حقیقت یا دروغ؟ حاضر است برای آزادی چه بهایی بپردازد؟ این همیشه سؤالی برای فردی خاص است و بسیاری از ما در این مرحله از زندگی ایستاده ایم، یعنی انتخاب میان حقیقت یا دروغ!

● چرا عنوان «نردیان یعقوب» را برای کتابتان انتخاب کردید؟ این عنوان قدری طعنه آمیز است، زیرا، درحالی که نردبان کتاب مقدس تا پشت بالا می رود، هر شخصیت در رمان شما مسیر کاملا متفاوتی را طی می کند.

من فکر می کنم هر فردی که بر مشکلات زندگی غلبه می کند بر همین «نردبان یعقوب» غلبه می کند. اما هر کسی نردبان خود را دارد، به نظرم. هر فردی در مسیر زندگی چالش های خود را دارد که باید بر آن ها غلبه کند و این یعنی بالا رفتن از این نردبان سخت که هرکس به شیوه خود از آن بالایا رود.

علی باقریان

● چنین گفت با نامور ماه روی

که مگذارد تن را راه چاره جوی^{۱۱}

● ننگین ز ماهه سر تختِ توست

جهان روشن از نامورِ بختِ "توست"^{۱۲}

● تو داری جهان زیر انگشتی^{۱۳}

دَد^{۱۴} و مردم و مرغ و دیو و پری

● ز هر کشوری^{۱۵} یَگرد کن^{۱۶} مِهتران^{۱۸}

از اخترشناسان و افسوَنگران^{۱۹}

● سَخَن سربه سر^{۱۱} موئندان^{۱۲} را بگویی

پژوهش کن و راستی^{۱۳} باز جوی



۱- جان خود را رها نکن و دنبال راه چاره بگرد. ۲- نامور بخت: بخت نامور، اقبال بلند. ۳- مایه شکوه روزگار فرمانروایی توست: جهان به واسطه اقبال بلند توروشن و پایدار است. ۴- جهان زیر فرمان توست. ۵- دَد: جانور وحشی. ۶- کشور: سرزمین. ۷- گرد کن: جمع کن. ۸- مهتران: بزرگان، صاحب منصبان. ۹- افسوَنگران: جادوگران. ۱۰- سربه سر: از آغاز تا پایان، با همه جزئیات. ۱۱- موئندان: علمای دین. ۱۲- راستی: حقیقت.

در نشست خبری بزرگداشت مفاخر استان و رونمایی از پوستر کنگره شعر «توس تا نیشابور» مطرح شد

یگانگی و یکپارچگی هویت ایرانی و اسلامی

مریم محبی

نشست خبری برنامه های بزرگداشت مفاخر استان، و رونمایی از پوستر کنگره شعر «توس تا نیشابور» با حضور حسین مسگرانی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، برگزار شد. در این نشست، به اهمیت توجه به مفاخر و برنامه های پیش رو به مناسبت بزرگداشت فردوسی پرداخته شد. بخشی دیگر نیز به تشریح جزئیات یازدهمین دوره از کنگره شعر «توس تا نیشابور» اختصاص داشت. این کنگره امسال یازدهمین دوره خود را پشت سر می گذارد. ملیحه آخوندی، الهه بیات مختاری، علی مقدم، رضا رحیمی غنبریان، مسعود یوسف پور و زهرا حسین زاده از برگزیدگان دوره پیشین در بخش های مختلف این کنگره بوده اند.

● فرهنگ مداران خراسان همیشه در اوج بوده اند در آغاز این نشست، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی با اشاره به اهمیت توجه به مفاخر استان، گفت: «مفاخر ایران اسلامی بی شمارند. در این میان، خراسان در رأس هرم است. خراسان یعنی ایران فردوسی، خیام، عطار و بسیاری دیگر از بزرگان، به لحاظ ادبی، تاریخی و فلسفی کمک کرده اند تا ما ایرانی، مسلمان و محب اهل بیت بمانیم. اگر به مفاخر معاصر این کشور در صد سال اخیر نگاه کنیم، در قله آن، فرهنگ مداران خراسانی هستند. من از روی تعصب این حرف را نمی زنم. خراسان در هر زمینه ای در اوج است و نیاز است تا جوانان با شخصیت ها و مفاخر آن آشنا شوند.» حسین مسگرانی، در ادامه صحبت های خود، ضمن برشمردن روزهای ملی ایران، توضیح داد: «ابتدای سال را با عطار نیشابوری شروع کردیم. در تقویم رسمی کشور ما، بزرگداشت عطار و فردوسی و خیام و بهقی و همچنین، روز ورود حضرت رضا^{۱۳} به نیشابور به عنوان روزهای ملی ثبت شده اند. دهه کرامت را نیز داریم. برای همه این مناسبت ها، از طریق یک ستاد دائمی پیگیری های مختلفی انجام شده است.»

اوسپس، با اشاره به جزئیات کنگره «توس تا نیشابور»، افزود: «کنون، یازدهمین دوره کنگره ملی شعر «توس تا نیشابور» در حال برگزاری است که امروز از پوستر آن رونمایی می شود. کنگره ای با پیشینه بسیار خوب با موضوع فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی که اختتامیه آن در شهریور برگزار می شود،»

مسگرانی ادامه داد: «یکی دیگر از این رویدادهای مهم سومین کنگره و همایش «بازنمایی نقش

شاهنامه در جهان معاصر» است که تعداد زیادی مقاله با همین محوریت به دبیرخانه آن رسیده است. این رویداد، از ۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت، به ریاست دکتر محمدجعفر یاحقی و به دبیری دکتر فرزاد قائمی برگزار می شود.»

● یازدهمین کنگره «توس تا نیشابور» نگاه فراگیرتری دارد در بخش دیگر این برنامه، یوسف بینا، دبیر علمی و اجرایی کنگره «توس تا نیشابور»، با تفصیل بیشتر درباره این رویداد گفت: «کنگره شعر «توس تا نیشابور»، امسال، بیست و پنجم اردیبهشت و هم زمان با روز بزرگداشت فردوسی، در جوار آرامگاه فردوسی افتتاح می شود. اختتامیه آن هم، روزهای نخست شهریور احتمالاً روز چهارم و هم زمان با سالگرد گذشت اخوان ثالث، در مشهد برگزار می شود.» او ادامه داد: «این کنگره هر سال هم زمان با بزرگداشت خیام برگزار می شد. در ۱۰ سال گذشته، شاعران بزرگی دبیر این کنگره بوده اند و در آن شرکت کرده اند. اما امسال سعی کرده ایم کمی نگاه وسیع تری داشته باشیم. در فراخوان کنگره، از همه شاعران ایران دعوت کرده ایم تا ۳۱ تیر اشعار خود را برایمان ارسال کنند. در مرداد هم پیش نشست هایی در نیشابور خواهیم داشت. شاعران بزرگی چون محمداکظم کاظمی، هادی منوری، سیدحسین سیدی و جواد گنجعلی هم در زمره داوران و طرف های مشورت ما بوده اند.»

حسین مسگرانی؛ فردوسی، خیام، عطار و بسیاری دیگر از بزرگان، به لحاظ ادبی، تاریخی و فلسفی کمک کرده اند تا ما ایرانی، مسلمان و محب اهل بیت^{۱۴} بمانیم

● بخش ویژه «فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی» است بینا درباره بخش ویژه این کنگره گفت: «بخش ویژه به فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی اختصاص دارد. این موضوع به خاطر شرایط حساس فرهنگی و اجتماعی انتخاب شد. هویت ایرانی و اسلامی مفهومی درهم تنیده و یگانه است که امسال، با تأکید بر همین یگانگی و یکپارچگی، بخش ویژه را به آن اختصاص دادیم.»

دبیر علمی کنگره شعر «توس تا نیشابور» در انتهای صحبت هایش این نوید را داد که جمعه بعد از ظهر «وقتی صحبت از خراسان می شود، سرزمین بزرگی است که بخشی از آن را در یک استان می بینیم و بخش دیگر آن را در سایر استان ها و کشورهای مجاور» باین حال، کاظمی به برخی محدودیت ها هم گریزی زده بود: «برخی از شاعران از کشور افغانستان هم شعر فرستادند، اما امکان دعوت از خارج کشور نبود. شعرهای بسیار خوبی به دست ما رسید، اما امکان برگزیده شدن همه آن ها وجود نداشت.»

● ماملت های فارسی زبان، مفاخر مشترک داریم بخش پایانی این نشست، به سؤال های خبرنگاران از مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی و دبیر علمی و اجرایی کنگره شعر «توس تا نیشابور» اختصاص پیدا کرد.

درباره سهمیم بودن دیگر کشورهای فارسی زبان در این رویداد فرهنگی، حسین مسگرانی گفت: «پیوند ما با کشورهای همسایه و کشورهای فارسی زبان همیشه است. دبیرمادسی فرهنگی یکی از نکات مهمی است که به آن توجه داریم. نگاه ما به مفاخر ملی است. ایرانی است. وقتی از فردوسی سخن می گویم، فردوسی که فقط مال ایرانی ها نیست، بعضا مفاخر مشترک ملت ها هستند. نکته مهم اندیشه های این مفاخر است. بنابراین، ما مفاخر مشترکی داریم با کشورهای

صحبت های بی آغاز

همین کار را می کند. مثلاً. خوب می داند که، اگر به محاوره حرف بزند، احتمال اینکه کریم سوتی بدهد و جایی درست ننویسد زیاد است؛ پس همین کار را می کند تا او را همچنان در چرخه تحقیر نگه دارد.

ای کاش مجال بیشتری بود برای اینکه نمونه دیگری از ادبیات طراز اول جهان را اینجا بیاورم و خط به خط درباره اش حرف بزنم. به هر حال، به قلم فولادین و بی نظیر احمد محمود بزرگ بسنده می کنیم. مخاطب «پیش داستان» (backstory) را در ذهنش بسازد. بعد، تمام عناصری که در بخش قبلی گفته شد خود به خود شکل می گیرند. ناگهان، حس می کنیم به میانه یک ماجرا کشیده شده ایم و، به جای اینکه درگیر حواشی داستان بشویم، بدون هیچ مقاومتی، جهان داستان را می پذیریم و خط به خط به تکاپومی اقیتم که چفت و بست های ماجرا را پیدا کنیم، و این یعنی حد اعلا ی باورپذیری و جذابیت، مگر یک شروع خوب کار دیگری هم باید بکند؟!

با احترام عمیق و ایستاده به استاد بزرگ داستان نویسی فارسی، احمد محمود نازنین، یادش جاودانه!



بلندتر باشد، مخصوصاً وقتی کریم را گوشه رینگ گیر انداخته و زیر مشت و لگد گرفته است. کریم پوزخند زد. پدر گفت: «نخند، بدبخت! بنویس، خاک به سر مو!» کریم اخم کرد، زبانش را لای دندان گرفت و نوشت: «خاک به سر مو». پدر زد تو گوش کریم و گفت: «تو ئی مردسه صاحب مرده چی یادتون می دن؟!» صدای زن از تو ایوان آمد: «کمتر سربه سر ئی بچه بذار! پدر بلندگفت: «آخه، وقتی مومی گم مو، ئی که نباید بنویسه مو! بناسلامتی کلاس سومه خوا!» پدر بازی اش را خوب بلد است، خوب می داند چطور کریم را توی گوشه گیر بیندازد و نگذارد او نفس بکشد. و به روش های مختلف مدام

باشید که پدر می خواهد نوشته کریم پاک نشدنی و ماندگار و ابدی باشد. کریم، تو ایوان، مداد را شوت کرد پشت بام. دوات و قلم فرانسه را برداشت و برگشت پیش پدر. شیطنت و سربه هوایی کریم با همین عمل به نمایش گذاشته می شود. انگار، کریم، در تضاد با آن حالت موش مردگی ای که در نزد پدر دارد، برای خودش آتش پاره ای است. «بنویس!» قدقد مرغ خانه را پر کرد. صدای پدر بلند شد. «ئی تخم مرغه بیند به گردنش آ خونه بندازش بیرون. انگار تخم طلا کرده!» در این خانه، هیچ صدایی نباید از صدای پدر